

چرا مدیران دولتی نباید به جشنواره فجر امسال افتخار کنند؟

یک جشنواره دو هشدار



معین احمدیان
دبیر گروه فرهنگ

جشنواره سی و نهم فیلم فجر، با همه اما و اگرهایش تمام شد. این دوره از جشنواره بیش از آنکه وضعیت دیروز سینمای ایران را ترسیم کند، هشدارهایی را هم برای روزهای آتی سینمای ایران داشت.

این فیلم‌ها را به چه کسی نشان می‌دهید؟

مدیران عجیب‌ترین جشنواره تمام ادوار، یک دلیل اصلی برای برگزاری آن داشتند و آن چیزی نبود جز اینکه با آغاز اکران‌های مردمی جشنواره، پای مردم به سالن‌های سینما باز شود و همین روح تازه‌ای را به چرخه اکران و تولید سینمای ایران بدمد. با این ادعا باید منتظر رونق سینماهای کشور باشیم و اینکه فیلم‌های امسال جشنواره به چرخه اکران اضافه شوند؛ اما کدام چرخه اکران، اصلا مگر فیلمسازی حاضر است فیلمش را این روزها به سالن‌های سینمایی بپردازد؟ مدیران دولتی در بالاترین‌ترین و بی‌بازنامه‌ترین وضعیت سینمایی قرار دارند؛ نه راهی جلوی پای سینماگران باز می‌کنند و نه تضمینی برای ضرر و زیان فیلمسازان دارند. همین حالا بدون احتساب حدود ۱۰۰ فیلم متقاضی حضور در جشنواره فجر و این ۱۶ اثری که به برنامه پخش جشنواره اضافه شدند، نزدیک به ۱۲۰ فیلم در صف اکران عمومی قرار دارند. این آمار ۱۲۰ فیلم منتظر اکران عمومی را مرتضی شایسته، دبیر شورای صنفی نمایش اعلام کرده و منظورش تعداد فیلم‌هایی است که پروانه نمایش داشته و برای اکران سینمایی در نظر گرفته شده‌اند. به جمع این فیلم‌ها اضافه کنید فیلم‌های گروه هنر و تجربه یا فیلم‌هایی را که برای اکران اینترنتی مناسب هستند. عجیب‌تر اینکه با وجود عدم اکران عمومی، تولید در سینمای ایران همچنان ادامه دارد و به تعداد فیلم‌های در صف اکران اضافه می‌شود. مدیران فرهنگی هرچه زودتر باید تکلیف نمایش این حجم از آثار معطل‌مانده را مشخص کنند و دو راه بیشتر پیش‌رو ندارند؛ یا اینکه باید جریان اکران آنلاین فیلم تقویت شود و نسبت به صیانت از آثار فیلمسازان تضمین‌های لازم صورت بگیرد و راه دوم اینکه چرخه اکران عمومی دوباره با قوت راه‌اندازی شود و با تبلیغات درست و رعایت پروتکل‌های بهداشتی به گونه‌ای تماشاگران را به سالن‌های سینمایی ترغیب کنند. بارها در صفحات فرهنگی «فرهنگستان» از مشکلات و معیشت اهالی فرهنگ و هنر در این روزهای کرونایی گفتیم و باید این هشدار را تکرار کنیم که پشت‌محنه سینمای ایران شرایط خوبی را نمی‌گذراند و برگزاری این جشنواره نصفه و نیمه نمی‌تواند پوششی برای پنهان کردن زخم‌های این روزهای سینمای ایران باشد.

یادداشت

۶ نکته‌ای که پس از انتشار اسامی نامزدهای جشنواره می‌توان به آنها اشاره کرد

شگفتی‌سازی «یدو» و تحویل گرفته‌شدن فیلم‌های پرسروصدا



مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

سی و نهمین جشنواره فیلم فجر در میان تمام شگفتی‌هایی که سال کرونایی ۹۹ با خود به همراه داشت، به ایستگاه پایانی رسید. جشنواره‌ای که همچنان پس از برگزاری هم، بزرگ‌ترین امتیاز آن، حذف هیأت انتخاب است و استقبال خیره‌کننده‌ای که سینما دوستان و سینماگران از این اتفاق به عمل آوردند. استقبالی که همه امیدوار هستند تا این اتفاق مانند تمام جشنواره‌های معتبر جهان به سنت هرساله جشنواره فجر تبدیل شده و تنها یک هیأت‌داوران فیلم‌ها را ارزیابی کنند. امسال از توفیقات کرونا بود یا از انتخاب دبیر جدیدی برای این رویداد، تیمی سینمایی برای ارزیابی آثار انتخاب شده بودند. تیمی که اگرچه برخی حرف و حدیث‌ها را درمورد سطح کیفی آثار برخی چهره‌ها با خود به همراه داشت اما سینمایی‌ترین تیمی بود که طی یک دهه اخیر، آثار جشنواره فجر را داوری کرده است. همین یک‌دستی سبب شد انتظارات درمورد نحوه انتخاب نامزدها و متعاقب آن برندگان جشنواره، بالاتر برود.

انتظارهایی که حالا با رونمایی از اسامی نامزدها، کمی عجیب به نظر رسیده و سوالات و غافلگیری را در خود به وجود آورده است. هرچند بخشی از این غافلگیری‌ها، اجتناب‌ناپذیر بوده و به رسم

هرساله جشنواره‌های سینمایی جهان، پس از اعلام نامزدها تبدیل شده است. در ادامه به مهم‌ترین این نکات خواهیم پرداخت. البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اگر «قاتل و وحشی» حمید نعمت‌الله که یکی از متفاوت‌ترین آثار چند سال اخیر سینمای ایران است و جشنواره همواره به آثار وی علاقه‌مندی نشان داده، در رویداد امسال نمایش داده می‌شد، نمتنها به برگ‌برنده و سوگلی این دوره تبدیل می‌شد بلکه تغییرات بسیاری در نوع چینش نامزدها و البته برگزیدگان روز آخر به وجود می‌آورد که متأسفانه این اتفاق رخ نداد تا جشنواره امسال از نعمت یک فیلم جریان‌ساز محروم بماند.

«شیشلیک» محمدحسین مهدویان مانند آثار قبلی کارگردان، نتوانست اجماع موافقان زیادی را شاهد باشد. فیلم اگرچه تا امروز، بیشترین میزان استقبال را از سوی مخاطبان داشته اما چندان از سوی منتقدان و اهالی رسانه موردتوجه قرار نگرفت. به این فهرست اضافه کنید، هیأت‌داوران جشنواره که فیلم را در هیچ یک از شاخه‌های اصلی نامزد نکرده و به تنها چهار مورد نامزدی در رشته‌های غیراصلی بسنده کرده‌اند.

در جشنواره امسال، هفت فیلم اولی حضور داشتند. یک فیلم از این جمع (خط فرضی) با توافق قبلی و به واسطه نمایش در جشنواره‌های خارجی، فرصت ارزیابی در

بخش‌های بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را از دست داد. نکته قابل‌توجه آنکه از ۶ فیلم باقی‌مانده اول، تمام فیلم‌ها در بخش بهترین کارگردانی نامزد شدند. به عبارتی، تمام فیلم‌های اول جشنواره سی و نهم در رشته بهترین کارگردانی فیلم اول نامزد شدند که این اتفاق، برای نخستین بار است که در طول تاریخ برگزاری جشنواره رخ می‌دهد.

در هر دوره‌ای پس از اعلام اسامی نامزدها، نبود برخی نام‌ها، حاشیه‌هایی را برای هیأت‌داوران رقم می‌زند. در جشنواره این دوره به دلیل کم بودن تعداد فیلم‌ها و البته تیم یک‌دست سینمایی، این انتظار وجود داشت که با نام‌های چندانیه به‌عنوان غایب مواجه نباشیم. اما تنها با نگاهی به فهرست بازیگران مرد و زن، متوجه می‌شویم جای چند نفر به‌شدت خالی است. هدیه‌تهرانی و باران کوثری برای فیلم «بی‌همه‌چیز» و بهرام رادان و هوتن شکیبا برای «ابلق»، اصلی‌ترین این نام‌ها هستند که حداقل حق‌شان، حضور در جمع نامزدهای بهترین بازیگر بود.

هادی حجازی‌فر که سال گذشته «آلبای» و «دوزیست» را در جشنواره داشت و به شکل متعجب‌کننده‌ای، حتی به جمع نامزدها هم راه پیدا نکرد، امسال هم برای «بی‌همه‌چیز» که نقش‌آفرینی چشمگیری داشت، نامزد نشد تا پروسه ناکامی‌های این بازیگر در جشنواره فجر



سید مهدی موسوی تبار
روزنامه‌نگار

سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر از هر نظر خاص بود. از تعداد فیلم‌های متقاضی تا تعداد فیلم‌های انتخاب‌شده برای بخش مسابقه و انتخاب آنها و تا معرفی نامزدهای نهایی هر بخش. حالا شاید بتوان بهتر بررسی کرد که هدف از برگزاری جشنواره امسال در میان کرونا و مشکلات اقتصادی سینمای ایران چه بوده است. در این دوره که به دلیل شرایط ویژه کرونایی بدون هیأت انتخاب برگزار شد! ۱۱۰ فیلم فرم متقاضی حضور در جشنواره را پرکردند که از این تعداد تنها ۶۲ فیلم شرایط لازم برای ورود به جشنواره را داشتند و توسط هیأت ۷ نفره داوران مورد ارزیابی در قالب بخش اصلی جشنواره یعنی «سودای سیم‌رغ» قرار گرفتند و در نهایت هم ۱۶ فیلم که با نامزدی در حداقل یک بخش، امکان اکران برای اصحاب رسانه و سینماهای مردمی داشتند را معرفی کردند. همین شکل انتخاب باعث به‌وجود آمدن اعتراضاتی شد که هنوز هم جوابی به آنها داده نشده است. شاید آن زمان به دلیل ندیدن همه فیلم‌ها، مجال و شرایط منصفانه‌ای برای قضاوت عملکرد هیأت‌داوران نبود اما حالا شاید پس از اتمام جشنواره و معرفی نامزدها بشود با بررسی و تسلط بیشتری درباره فیلم‌ها صحبت کرد. در جشنواره امسال عموماً با دو نوع فیلم مواجه بودیم؛ نوع اول، فیلم‌هایی که در مخالفت با مردم بودند و در انتها هم تلخ یا همراه با خود بیرانگری تمام می‌شد. نوع دوم شامل فیلم‌هایی بودند که از امید و تلاش و غرور می‌گفتند و ضد ناامیدی بودند. نکته جالب و عجیب اینجاست که فیلم‌های دسته اول با متعلق به بخش خصوصی بودند یا با حمایت دولتی ساخته شده بودند و فیلم‌های دسته دوم متعلق به نهاد‌های وابسته به حاکمیت بودند. این تقابل جایی مهم‌تر می‌شود که بدانیم در بین فیلم‌های رده شده برای بخش مسابقه، آثاری بودند که به مراتب از برخی فیلم‌های حاضر در جشنواره بهتر و قوی‌تر بودند و تلخی برخی از این فیلم‌ها را هم نداشتند. «بی‌همه‌چیز»، «روشن» و «خط فرضی» و تا حدودی «ابلق» در فهرست گروه اول قرار می‌گیرند که در انتها شخصیت اصلی آن ترجیح می‌دهد خودش را ویران کند و به مخاطب القا می‌کند که راهی برای تغییر و اصلاح نیست و گریزی نیست جز مرگ. در آن سو، «رمانتیسیم عماد و طوبا»، «منصور»، «یدو»، «تک‌تیرانداز» و تا حدودی «مصلحت» اصرار به تلقین تلاش و مقاومت و امید دارند و به هر شکلی می‌خواهند راهی را باز کنند و امیدی را بیافرینند تا مخاطب با حال بهتر با انگیزه‌ای قوی‌تر از سالن سینما خارج شود. حالا می‌شود بررسی کرد که حامیان سازنده این دو گروه چه کسانی هستند و گروه‌هایی از اقلای یاس و ناامیدی در جامعه سود بیشتری می‌برند؟ اصلاً جامعه در حال حاضر به کدام یک نیاز بیشتری دارد؟ اجازه بدهید کمی جلوتر برویم و بررسی‌ها را اساساً وظیفه سینما در چنین شرایطی چیست؟ بخشی از سینمای ایران که در جشنواره امسال دیدیم آشکارا رویه‌روی مردم هستند و آنها را مسبب وضعیت فعلی می‌دانند

دوره سی و نهم جشنواره فیلم فجر، تقابل فیلم‌ها با پایان امیدبخش و تلخ بود

جشنواره علیه امید؟

ونسخه‌ای که برای تغییر وضع فعلی می‌پیچند همان کاری است که صادق هدایت ۶ دهه قبل کرد. کسی از القای امید واهی صحبت نمی‌کند و قرار هم نیست که از تلخی‌ها و کاستی‌ها هم گفته نشود. مساله مهم‌تر نوع گفتن و معرفی راهکار در چنین شرایطی است. «آرنولد هاوزر» مورخ مجارستانی معتقد است، فیلم، رسانه‌ای است که با استقبال عده کثیری از افراد جامعه از طبقات مختلف اجتماعی روبه‌رو است. فیلم برخلاف بسیاری از هنرهای دیگر، مخاطب توده‌ای دارد و از این نظر مهم است. در ادامه هاوزر توضیح می‌دهد که فیلم، موفقیت گسترده خود را مدیون این مساله است که اگرچه نمایش دهنده طبقه متوسط است و توده‌ها را نیز به خود جذب می‌کند. دلیل چنین ادعایی این است که هاوزر، معنای طبقه متوسط را از بعد روان‌شناختی، نه صرفاً اقتصادی، در نظر می‌گیرد. اومی گوید طبقه متوسط را اگر از بعد اقتصادی در نظر بگیریم، یک طبقه است؛ اما اگر به آن از بعد روان‌شناختی توجه کنیم، متوجه می‌شویم که بخش‌هایی از طبقات بالا و پایین را نیز در خود جای می‌دهد و از این نظر، طبقه بزرگ‌تری خواهد بود که مخاطب توده‌ای فیلم را فراهم می‌کند. بخش‌های پایین طبقات بالا و بخش‌های بالای طبقات پایین، اغلب و به لحاظ ذهنی و روان‌شناختی، خود را اعضای طبقات متوسط می‌شناسند. این بخش‌های طبقات بالا و پایین تأثیرات با طبقه متوسط، همبستگی نشان می‌دهند که با منافع زندگی روزمره آنها متفاوت نداشته باشد و بیشتر در استفاده از سرگرمی بی‌ضرر آنها مشارکت دارند. پس مخاطب توده‌ای فیلم، حاصل این اتحاد است.

حالا و با این تعاریف، سوال اصلی اینجاست که مخاطبان هدف فیلم‌های سیاه امسال چه طبقاتی هستند؟ مردمی که خود قربانی اشتباهات مدیران یا تصمیمات غلط هستند باید بیایند و فیلم‌های علیه خودشان را تماشا کنند و در نهایت هم مرگ را به این زندگی ترجیح دهند؟

اصرار بیش از حد مدیران فرهنگی برای برگزاری جشنواره وقتی عجیب‌تر به نظر می‌رسد که می‌بینیم دست‌شان برای ارائه فیلم‌های قوی، محکم و جذاب خالی است یا انگار نمی‌خواهند آنها را نمایش دهند. جشنواره امسال که سال آخر دولت تدبیر و امید هم بود مگر نه این است که باید آینه تمام‌نمای نگاه فرهنگی و هنری دولت باشد؟ آنچه در اکثر فیلم‌های این جشنواره دیدیم نگاه دولت به جامعه است یا راهکار او برای زندگی در وضعیتی که خود دولت مسبب بزرگ آن است؟ اتفاقات جشنواره فیلم فجر امسال در دوران جنگ هم نیفتاد و با وجود اینکه رئیس دولت اصرار دارد که وضعیت فعلی را جنگی اعلام کند اما نگاهی به آرشیو روزنامه‌ها و رسانه‌ها نشان می‌دهد که فیلم‌های حاضر در جشنواره‌های دوران دفاع مقدس، به مراتب امیدوارانه‌تر، عزتمندانه‌تر و قوی‌تر از آثاری بود که امسال شاهدشان بودیم. این جشنواره بیشتر از اینکه بستری برای مانور فعالیت‌های فرهنگی دولت دوازدهم بخوابد باشد علیه شعارهایی نظیر تدبیر و امید بود. هر قدر در فیلم‌هایی که خارج از دایره دولتی ساخته شده بودند نوبت به زندگی و مقاومت داده می‌شد در فیلم‌های این سمت فرار به آغوش مرگ توصیه می‌شد. این جشنواره انگار علیه امید بود.

ادامه داشته باشد.

کامبیز دبیراز که طی چند روز گذشته، تمجیدهای بسیاری از بازی او در «تک‌تیرانداز» شده بود، دیگر ناکام بزرگ بخش بازیگری جشنواره امسال بود که نتوانست به جمع نامزدها راه پیدا کند. در مابقی رشته‌ها نیز جای موسیقی و فیلمبرداری «ستاره‌بازی» و موسیقی «روشن» خالی به نظر می‌رسد.

امسال به دلیل تعدد فیلمنامه‌های اقتباسی، این بخش از فیلمنامه‌های اورجینال و اصلی منفک شده است. اتفاقی که در برخی دوره‌های جشنواره رخ داده و سبب می‌شود تا انتخاب‌های دقیق‌تر و حرفه‌ای‌تری در زمینه فیلمنامه‌های جشنواره صورت پذیرد.

قطعا «یدو» شگفتی‌ساز جشنواره سی و نهم لقب گرفته است. فیلم کم‌ادعا و شریفی که توانست پایه‌پای «بی‌همه‌چیز» که کلی سروصدا به راه انداخته بود، در ۱۳ رشته، بیشترین تعداد نامزدی را از آن خود کند. «زالوا» با ۱۰ و «ابلق» با ۹ نامزدی، پرافتخارترین فیلم‌های جدول کاندیداهای جشنواره امسال محسوب می‌شوند. در پایین این جدول نیز فیلم‌های «گیج‌گاه»، «خط فرضی»، «منصور»، «ستاره‌بازی» و «رمانتیسیم

اگر از نظر ارگانی به نامزدها نگاه کنیم، متوجه می‌شویم بنیاد فارابی، بیشترین میزان نامزدی را به خود اختصاص داده است. طبق جدول نامزدها، این بنیاد که در تولید پنج فیلم یدو، زالوا، تی‌تی، گیج‌گاه و رمانتیسیم عماد و طوبا مشارکت داشته، روی هم ۲۰ نامزدی داشته است.

«اول‌مارکت» که امسال با «روزی روزگاری آبادان» و «شیشلیک» در جشنواره حضور دارد، ۱۱ نامزدی داشته است. سازمان اوج که امسال دو فیلم «منصور» و «مصلحت» را داشت، روی هم رفته به ۹ نامزدی رسید.

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هم که امسال تنها با فیلم «امان» در جشنواره حاضر بود، موفق به دریافت پنج عنوان نامزدی شد.

